

مدیریت دانش در سازمان

• دکتر محمد حسن زاده^۱

عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس

آثار متعددی در زمینه مدیریت منتشر کرده است که از جمله به مدیریت منابع انسانی، آموزش و توسعه سرمایه انسانی، مدیریت حقوق و دستمزد، برنامه‌ریزی و کنترل پروژه، مهندسی روش‌ها، فرهنگ لغات و اصطلاحات مدیریت، بهره‌وری، و گفتارهایی در مدیریت پیشرفته منابع انسانی می‌توان اشاره کرد. علاوه بر آن ابطحی مقالات و سخنرانی‌های مختلفی را نیز در حوزه مدیریت منتشر و ارائه کرده است.

دکتر عادل صلواتی نویسنده دوم کتاب، متولد ۱۳۵۲ و دارای دانشنامه دکتری در رشته مدیریت دولتی از دانشگاه علامه طباطبایی است. وی در حال حاضر عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد می‌باشد. وی مقالاتی در حوزه مدیریت دولتی تألیف کرده است.



■ مدیریت دانش در سازمان، حسین ابطحی و

عادل صلواتی، تهران: پیوندنو، ۱۳۸۵، ۱۹۴ ص، شابک: ۹۶۴-۷۴۵۶-۰۹-۳

درباره نویسندگان

دکتر حسین ابطحی متولد ۱۳۲۲ است. تا سال ۱۳۴۵ معلم بوده است. در سال ۱۳۵۵ دانشنامه دکتری خود را در رشته مدیریت مهندسی از دانشگاه میسوری - رولای آمریکا دریافت کرد. پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۵۶ عضو هیأت علمی مرکز آموزش مدیریت دولتی شد و با تأسیس دانشگاه علامه طباطبایی به آن دانشگاه منتقل شد. در سال ۱۳۷۵ به درجه استادی نائل شد. وی

درباره موضوع

مدیریت دانش به‌عنوان مفهومی بین‌رشته‌ای، شالوده‌ای از توانایی‌های مختلف از رشته‌های مدیریت، علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، اقتصاد، کامپیوتر و نظایر آن را دربرمی‌گیرد. به همین دلیل است که در بازار نشر، کتاب‌های مختلفی با دیدگاه‌های مختلف و از سوی صاحب‌نظران مختلف به چاپ رسیده است. کتابی مانند مهندسی دانش: درس‌هایی از مهندسی دانش^۲ از دیدگاه هوش مصنوعی کاربردهای روش‌شناسی‌های مهندسی دانش در مدیریت دانش را به بحث و بررسی گذاشته است، کتاب مدیریت دانش: مفاهیم و زیرساخت‌ها^۳ با

مدیریت دانش به‌عنوان
مفهومی بین‌رشته‌ای،
شالوده‌ای از توانایی‌های
مختلف از رشته‌های
مدیریت، علوم کتابداری
و اطلاع‌رسانی، اقتصاد،
کامپیوتر و نظایر آن را
دربرمی‌گیرد



نگاهی فراگیر، مفاهیم موردتوجه در مدیریت دانش را به‌همراه نحوه مشارکت متخصصان حوزه‌های مختلف در مدیریت دانش بررسی و زیرساخت‌های لازم برای مدیریت دانش در سازمان‌ها را معرفی کرده است. کتاب‌های دیگری نیز در حوزه‌های مختلف به چاپ رسیده‌اند که موضوعاتی مانند مستندسازی تجربیات و غیره را موردتوجه قرار داده‌اند. آرایش تألیفات در بازار نشر نشان‌دهنده وجود دیدگاه‌های مختلف درباره مدیریت دانش است.

مدیریت دانش از اواخر دهه ۱۹۷۰ مطرح شد. با نزدیک شدن به اواسط دهه ۱۹۸۰ و مشخص شدن اهمیت دانش و تأثیر آن بر حفظ قدرت رقابتی در بازارهای اقتصادی، اهمیت ویژه‌ای یافت. در این دهه بود که نظام‌های مبتنی بر هوش مصنوعی و نظام‌های هوشمند

درباره کتاب

برای مدیریت دانش به‌کار گرفته شد و مفاهیمی چون فراهم‌آوری دانش، مهندسی دانش، نظام‌های دانش‌مدار و مانند آن رواج پیدا کرد. با نزدیک شدن به اواخر دهه ۸۰ می‌توان سیر صعودی انتشار مقالات مربوط به مدیریت دانش در مجلات حوزه مدیریت، تجارت و علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی را مشاهده کرد. در همین دوران اولین کتاب‌های مربوط به این حوزه منتشر شد. با ورود به دهه ۱۹۹۰ فعالیت گسترده شرکت‌های آمریکایی، اروپایی و ژاپنی در حوزه مدیریت دانش به‌نحو چشم‌گیری افزایش یافت. در اواسط دهه ۱۹۹۰ ظهور وب جهانی، تحرک تازه‌ای به حوزه مدیریت دانش بخشید. شبکه بین‌المللی

کتاب مدیریت دانش در سازمان، به‌زعم مؤلفان، به‌دنبال ارائه روشی در نحوه مدیریت اثربخش دانش در سازمان‌های دولتی ایران است و بر آن است که مدل مناسب برای مدیریت دانش در سازمان‌های مذکور ارائه دهد. کتاب در ۱۳ فصل سامان یافته است.

مؤلفان در فصل اول، «مفاهیم پایه مدیریت دانش»، بر آن بوده‌اند که مفاهیم بنیادین مدیریت دانش را معرفی و تبیین کنند. با این هدف، ابتدا به تعریف داده، اطلاعات و دانش پرداخته و سپس روابط بین داده، اطلاعات و دانش را از نظر باجاریا و کلارک و رالو بررسی کرده‌اند.

کتاب دارای صحافی و صفحه‌آرایی مناسبی است و جز در مواردی محدود از اغلاط املائی و دستوری به‌دور است

در فصل دوم، «طبقه‌بندی انواع دانش»، انواع دانش از نظر افراد مختلف طبقه‌بندی و ارائه شده و دیدگاه‌های نظرات صاحب‌نظرانی مانند نوناکا، رنه‌جورنا، ماشلویپ، بلاکسر و لیدنر مورد توجه قرار گرفته است. در فصل سوم، «عناصر دانش»، دربارهٔ عناصر تشکیل‌دهندهٔ دانش و ویژگی‌های دانش بحث شده است. مؤلفان در فصل چهارم، «مفهوم مدیریت دانش»، مفهوم اینگونه مدیریت را در قالب تعاریف، اصول، تئوری‌های مدیریت دانش، مدیریت دانش تیمی و مدیریت دانش جامعه‌گرا مورد بررسی قرار داده‌اند. مدل‌های مدیریت دانش از جمله مدل‌های بویست، نوناکا، رن جانستون، ادل و گرایسون و استیو هالس در فصل پنجم، «مدل‌های مدیریت دانش»، معرفی شده است.

فصل ششم، «پژوهش‌های انجام‌شده در زمینهٔ مدیریت دانش»، به معرفی پژوهش‌های اجراشده در زمینهٔ مدیریت دانش اختصاص دارد. در این باره پس از مقدمه‌ای مختصر، خلاصه‌ای از گزارش پژوهشگرانی مانند مک‌کین و زک؛ گلد؛ موهرمان؛ محمد خلیفه و لیو؛ ریگانز و مک‌اویکی؛ داوونپورت و پروساک؛ وان کرو؛ میکاپولوس و سایکوجیس؛ کارل ویگ؛ کانگ و پانديا ارائه شده است. در فصل هفتم، «تکامل مدیریت دانش»، ظهور و تکامل مدیریت دانش بررسی و مؤلفه‌های آن ارائه شده است. در فصل هشتم، دربارهٔ دانش‌آفرینی در سازمان در قالب روش‌های دانش‌آفرینی، نقش اعتماد در ایجاد و توزیع دانش و به‌کارگیری آن بحث و بررسی شده است. در فصل نهم، «رویکردها، هدف‌ها و راهبردهای مدیریت دانش»، ابتدا رویکردها و هدف‌های مدیریت دانش بررسی و سپس راهبردهای مدیریت دانش به همراه نقشهٔ دانش معرفی شده است. مؤلفان در فصل دهم، «موانع مدیریت دانش»، دربارهٔ موانع مدیریت دانش بحث کرده‌اند. در این خصوص، پنج عامل انسانی، سازمانی، فرهنگی، سیاسی و فنی و تکنولوژیکی معرفی

شده است.

در فصل یازدهم، «مدیریت دانش در سازمان‌های دولتی»، به‌صورت ویژه بحث مدیریت دانش در سازمان‌های دولتی به میان آمده است. در این فصل، ابتدا اهمیت و ضرورت مدیریت دانش در سازمان‌های دولتی مورد بحث قرار گرفته است، سپس امکان‌پذیری مدیریت دانش در چنین سازمان‌هایی مطرح شده است، در این چارچوب، به نظرات موافق و مخالف در این زمینه اشاره شده است. در نهایت، عناصر و ابعاد مدیریت دانش در سازمان‌های دولتی به‌اختصار مورد توجه قرار گرفته است. در فصل دوازدهم، «پژوهشی در زمینه مدیریت دانش در ایران»، که بخش قابل‌توجهی از کتاب را به خود اختصاص داده است، خلاصه‌ای از یک پژوهش میدانی در ایران ارائه شده است. در فصل سیزدهم، «مدل کاریست مدیریت دانش»، که فصل پایانی کتاب است، مدلی برای کاریست مدیریت دانش پیشنهاد شده است.

نکات برجسته کتاب

کتاب از چندین جهت دارای ویژگی‌هایی است که بر ارزش و سودمندی آن می‌افزاید.

- کتاب در عین حال که مبتنی بر داده‌های گردآوری‌شده برای یک تحقیق دانشگاهی تدوین شده است، اما نویسندگان در پی آن نبوده‌اند که همه داده‌های گردآوری‌شده را در این کتاب بگنجانند و تنها بخش‌هایی از آن را گزینش و به‌صورت خلاصه منعکس کرده‌اند. همین امر باعث شده است که کتاب برای افرادی که مشغله‌های فراوان دارند، قابل خواندن و تورق باشد.
- طرح پرسش در پایان هر فصل باعث شده است که ذهن خواننده با مواردی که در هر فصل مورد بحث قرار گرفته یا حتی نیاز به مطالعه بیشتر دارد، درگیر شود. این امر باعث یادگیری فعالانه در خواننده می‌شود که به‌مراتب مانایی بیشتری خواهد داشت.

در اغلب فصول، تعاریف یا مفاهیم از نویسندگان اغلب خارجی نقل شده است. ولی تحلیل خود نویسندگان کتاب به آنها اضافه نشده است

در حالی که مؤلفان می‌توانستند معایب و مزایای مدل‌ها و ارتباط آنها با مدل‌های پیشین و نظیر آن را ارائه دهند، این کار صورت نگرفته و بیشتر به ارائه داده‌های موجود در متون پرداخته‌اند.

– به صورت روشن در هیچ کدام از فصل‌ها بحث نشده است که مدیریت دانش چه تفاوتی با مدیریت‌های دیگر دارد و چه تخصص‌هایی برای این نوع از مدیریت نیاز است.

– کتاب نمایه موضوعی ندارد و همین امر ممکن است مشکلاتی برای دسترس‌پذیری محتوای آن ایجاد کند.

– وجود واژه‌نامه‌های فارسی به انگلیسی و بالعکس می‌توانست، خوانندگان را در پیدا کردن معانی واژگان یاری کند.

مواردی که ذکر شد، در مقابل ارزش‌های این کتاب بسیار جزئی هستند و این کتاب حرف‌های زیادی برای مدیران سازمان‌ها، به‌ویژه سازمان‌های دولتی و علاقه‌مندان به مدیریت دانش دارد. مشارکت دو عضو هیئت علمی در نگارش این کتاب، اشکالات محتوایی و دستوری آن را به حداقل رسانده و سلاست متن را به حداکثر. با توجه به کمبود منابعی که به زبان فارسی در زمینه مدیریت دانش وجود دارد، انتشار چنین کتاب‌هایی قطعاً می‌تواند زمینه را برای اقدامات عملی‌تر در حوزه مدیریت دانش به‌عنوان سرمایه مهم سازمانی فراهم آورد.

پی‌نوشت‌ها:

1. hasanzadeh@modares.ac.i

۲. جی لیوویتز (۱۳۸۴). مهندسی دانش: درس‌هایی از مهندسی دانش، ترجمه: محمد حسن‌زاده، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

۳. محمد حسن‌زاده (۱۳۸۶). مدیریت دانش: مفاهیم و زیرساخت‌ها، کتابدار

– ارائه خلاصه‌ای از هر فصل در پایان فصل نیز بنوبه خود، بر ارزش این کتاب افزوده است.

– کتاب دارای صحافی و صفحه‌آرایی مناسبی است و جز در مواردی معدود از اغلاط املائی و دستوری به‌دور است.

در کنار این موارد، نکاتی نیز قابل ذکر است که رعایت آنها در چاپ‌های بعدی می‌تواند بر ارزش کتاب بیفزاید.

– تعادل بین فصول می‌توانست بیشتر رعایت شود، برای نمونه فصل سیزدهم بخش اعظم کتاب را به خود اختصاص داده است و فصل‌هایی وجود دارد که کمتر

از پنج صفحه هستند. ارائه داده‌های حاصل از تحقیق اگرچه پشتوانه عملی و آینه‌وار مطالب نظری ارائه شده در متن کتاب است، اما از آنجاکه احتمالاً این داده‌ها در قالب گزارش یک طرح یا رساله در جای دیگر موجود است، مؤلفان می‌توانستند باز هم در این مورد ایجاز را رعایت کنند و به گزارش مذکور ارجاع دهند تا خوانندگان علاقه‌مند به مطالعه عمیق‌تر به آن مراجعه می‌کردند.

– مقدمه کتاب بسیار خلاصه است و این امر را که کتاب حاضر حاصل پژوهش مستقل، دانشگاهی و نظیر آن است، نشان نمی‌دهد.

– برخی از فصول می‌توانست با فصول دیگر ادغام شود. برای نمونه فصل اول کتاب با عنوان «مفاهیم پایه در مدیریت دانش» که حدود هشت صفحه است با فصل چهارم با عنوان «مفهوم مدیریت دانش» که نزدیک ده صفحه است، همپوشانی و قرابت موضوعی شدید دارد. بنابراین این دو فصل می‌توانستند با یکدیگر ادغام شوند. درباره فصل‌های دیگر نیز این امر صدق می‌کند.

– در اغلب فصول، تعاریف یا مفاهیم از نویسندگان اغلب خارجی نقل شده است. ولی تحلیل خود نویسندگان کتاب به آنها اضافه نشده است. برای مثال در فصل دوم درباره طبقه‌بندی انواع دانش، فقط به نقل قول اکتفا شده است، در فصل پنجم با عنوان مدل‌های مدیریت دانش